نگاهی به محتوا، نقدی بر متن

شهرام امیرشریفی
مدیر عامل انجمن دیدهبان حقوق حیوانات

در منـش مدیریتی دولـت جدید ایـران که در نیمه‌هـای عمـر چهارسـالهاش به سـر می‌برد، رفتـار دموکراتیک‌تـری در برخـورد با مـردم و سـازمان‌های مردمی شـاهد هسـتیم. شـخص رئیس‌جمهـوری، معاونان و وابسـتگان دولت در این دوسـال بارها از تلاش برای نقش‌آفرینی مردم و نهادهـای مردمـی در مدیریت کشـور گفته‌اند و در عمل نیز فعالیت‌هایی در این مسـیر رخ داده اسـت. این فعالیت‌ها بنا به قرائن موجود لااقل در بخش محیط‌زیسـت و در ارتباط دو سویه سـازمان حفاظت محیط‌زیست با سـازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیسـتی به فعل رسـیده، نـگاه امنیتی به «ان جـی او» هـا کاهش یافتـه یا حذف شـده و همکاری‌های قابل توجهی نیز (فارغ از عدم حصول نتیجه درخور در برزرگترین کمیسیون‌های مردمی این حیطه) رخ داده اسـت. واضح است که مطبوعات، به‌ویـژه مطبوعاتی که به محیط‌زیسـت به‌عنوان دغدغه (و نه یک زیرشـاخه برای رفتار سیاسـی) می‌نگرند در این میان نقشـی بسـیار قابل توجه، تعیین‌کننده، هدایت‌گر و آموزنده داشته و دارند (و امید که داشته باشند!)

پس از سـه رکن مشـارکت فعال شـهروندان در فرآیندهـای اجتماعـی، شـفافیت کنش‌های حکومت و پاسـخگو بودن حاکمیـت، مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسـی و مکمل سه رکن نخست شناخته می‌شـوند. برای این رکن چهارم، وظایفی تعریف شـده که شـامل نقش خبری و اطلاع‌رسـانی، آموزش، فرهنگ‌سـازی، آگاه‌سازی، نقش همگن‌سازی، حراسـت از محیط، احسـاس تعلق اجتماعی، ایجاد همبسـتگی میـان اجزای جامعه، انتقال میراث فرهنگی از نسـلی به نسـل دیگر، عرضه اندیشه‌های نوین و درنهایت تفریح و سرگرمی می‌شود. اما تیم «شهروند» و خروجی آنها در قالب روزنامه شهروند تا چه حد به چنین تعریفی نزدیک هسـتند و تا چه حد به فرآیند مردمی شدن رفتارهای زیست‌محیطی ایرانیان کمک می‌کند؟

با مروری بر رفتار کاربران هوادار محیط‌زیسـت در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های مجازی آنلاین و گروه‌های مبتنی بر تلفن‌هـای همراه (که بنا به فعالیـت ۲۰ سـالهام در حیطه حقـوق حیوانات بسیار با آنها در تماسـم) به نظر می‌رسد روزنامه شـهروند در مدتی کوتاه از بسیاری جهات رقیب ارزشـمندی برای رسانه‌های با سـابقه محسوب می‌شـود؛ اخبار این روزنامه در قالـب اینترنتی، بارهـا و بارها در شـبکه‌های ذکر شـده بازنشـر می‌شـوند و متخصصان، فعالان و دوسـتداران محیط‌زیست نیز اقبال خوبی به این رسانه نشان دادهاند. با این‌که کاربـران اینترنتی هماهنگی بیشـتری با زندگـی الکترونیکـی (E-Life) دارند و شـبکه‌های مبتنی بر تلفـن همراه بازه گسـترده‌تری از کاربران را به این حیطه اضافه کرده‌اند، وجـود و حضور روزنامـه و مطبوعات مکتـوب به‌عنوان سـند مورد وثـوق جامعه با حال و هوای رسمی‌تر از رسـانه‌های مجازی و با توجه بـه لایه‌های راسـتی‌آزمایی و قانونی و تخصص‌گرایی لازم به نظر می‌رسد.

روزنامه‌ای خوش‌ترکیب

سایتی کاربرپسند

گرافیک خـوب، یکـی از مولفه‌های جذابیت مطبوعـات و رسـانه‌های مکتـوب اسـت و کاربرپسـند بـودن هـم از ارزش‌هـای یـک رسـانه مجـازی محسـوب می‌شـود. انتخاب تیم «شـهروند» در هر دو مورد چنـان بوده که محصول آن روزنامه‌ای خوش‌ترکیب و سـایتی کاربرپسـند بوده اسـت. سـرعت بالای سایت روزنامـه، فرمت‌های مختلـف آن و به‌خصوص زمان در دسـترس قرار گرفتـن مطالب آخرین شـماره، برخلاف برخی رسانه‌های بسـیار با سابقه‌تر، «شـهروند» را روزنامه‌ای به روز معرفی می‌کند. جالب این‌که در مقام مقایسه، هنوز هم ترکیب رسانه چاپی و رسـانه اینترنتی در مورد روزنامه‌های قدیمی‌تر چنـدان جا افتاده به نظر نمی‌رسد.

جوانگرا و به روز

به نظر می‌رسـد در حیطه محیط‌زیست، «شهروند» بیش از تأکید بر تکرار حرف‌های قدیمی، تکراری و یا بازبینی شـده، با کمک جوانانی مسلط به علم این روزها، به روز بودن را با جسـارت انتخاب کرده اسـت. در حیطه محیط‌زیست هنوز تئوری‌های قجری مردود شده در رسانه‌های سنتی تدریس می‌شوند و وجود روزنامه با برخـورد عالمانه غنیمت است.

تریبون معتبر فعالان غیردولتی محیط زیست

سـابقه «شـهروند» تا به امروز نشان از آن دارد که این رسـانه توانسـته بـدون روابط ویژه با کانون‌های قدرت و ثروت و تبرازسـاز، تریبونـی منطقـی و معتبـر بـرای فعالان محیط‌زیست باشـد. در این حیطه می‌توان حجم قابل توجه مطالـب و مقالات محیط زیسـتی، داشـتن صفحه اختصاصی محیط زیسـت، خبرنگاران مورد وثوق و روابط قوی با گروه‌های مردمی، سـردبیری صحیح مطالب این حیطه و تنظیم پرونده‌هـای ویژه برای ملاحظات خاص زیست‌محیطی را به‌عنوان برخی از دلایلی دانست که این روزنامه را به تریبون معتبری برای فعالان محیط‌زیست تبدیل کرده است.

شیشه را پاک نمی‌کند!

برخـلاف «برخـی روزنامه‌ها»، تـا کنون ندیدهام کسـی «شهروند» را برای پاک کردن شیشه تجویز کند؛ شرح مسأله با خودتان!

با تمـام این وصف‌هـا اما «شـهروند» هم مواردی برای اصـلاح دارد. در «شـهروند»، انتخاب برخی از عکس‌ها مناسب با مرتبط با مطالب چاپی نیست.

گاه آن‌جا که مطلبی در مورد حیوانات ذکـر شـده، دیـده‌ام کـه معـدودی از تئوری‌ها یا عملکردها، بـا اصول عالمانه رفتار با حیوانات و اصول حقوق حیوانات در تضـاد بـوده یـا تئوری‌های منتشـر شـده با نام نظر تخصصی فقـط یک نظر شـخصی بـوده. در یک مورد هم شـاهد اسـتناد به (و نـه صرفـا ارایه خبـر از) شبکه‌های اجتماعی بوده‌ام که فی نفسه قابلیت اسـتناد علمی ندارند.

شاید اگر خیلی ریزبین باشیم، با مشی این روزنامه، جای خالی خبرهای زیست‌محیطی در نیم صفحه اول اندکی خالی به نظر برسد. در حیطه حقوق حیوانات نیز مثل بسیاری رسانه‌ها راه نرفته بسیار است...

«شهروند» و ایجاد امید به جذب حداکثری نیروهای مردمی در «ان جی او»ها

بابک توتونچی
مدیر مکتب حرمت حیات

تلفـن زنگ می‌خورد، شـماره‌ای اسـت که دو رقم اولش ۴۴ اسـت. پاسـخ کـه می‌دهم، صدای گـرم روزنامه‌نگـار پرتلاش سـرویس طرح‌نـو روزنامه‌شـهروند کـه در یکـسـال اخیـر تلاش‌هـای ارزشـمند و قابل‌تقدیـری در راسـتای ظرفیت‌سـازی اجتماعـی بـرای معرفی سـازمان‌های مردم‌نهاد و شـکل‌گیری جامعه‌مدنی، از او و همکارانش شاهد بوده‌ام، به گوش می‌رسد. او از من می‌خواهد که نظر خود را درباره سـتون جامعه‌مدنی روزنامه‌شهروند، در چند سـطر بیـان کنم: حقیقت این اسـت که ظهـور و بروز کلمـه جامعه‌مدنـی در یک روزنامه‌رسمی، بسیار اتفاق کمیابی است و باید این اتفاق را به فال‌نیک گرفت. اما در جامعه‌ای همانند ایـران، با ایـن همه فرازونشـیب‌های اجتماعـی، سیاسـی، تاریخی، اقتصـادی و... باید خیلی‌زودتـر از اینها شـاهد چنین اتفاق ارزشـمندی می‌بودیم و بسیار پیشـتر از اینها بایسـتی که نام رسـانه‌ملی را یدک می‌کشد به ایـن موضوع مهم پرداخته می‌شـد. روزنامه وزین شـهروند با این کار توانسـت، سـازمان‌های مردم‌نهاد را کم‌وبیش بـرای مردم معرفی کند و با این معرفی چند نکته مهم را در یک بسـته گردهم آورد که اهـم آنها را بـه اختصار طرح می‌کنم:

الف) سـتون جامعه‌مدنی روزنامه‌شـهروند، ویترینی شد از وجود دموکراسـی در اجتماع. یعنی دولت تدبیر و امید را در چشـم مخاطب، دولتـی مردم‌سـالار معرفـی کرد کـه ظاهرا به‌صـورت روزشـمار بر تعـداد سـازمان‌های مردم‌نهـاد، از زمـان آغاز بـه‌کار ایـن دولت، افزوده شـده و این روند اگر حقیقتا خودجوش و از سوی مردم باشد، می‌تواند به پیشرفت‌های اجتماعی بسیاری در این دولت امیدوار شد!

ب) با معرفی سـازمان‌های مردم‌نهاد، آنها را در معرض دیـد و قضاوت مردم قرار داد که این خود به‌تنهایی می‌تواند باعث دقت بیشتر مدیـران و اعضـای اصلی این تشـکل‌ها در عملکردهای اجتماعی آنها باشد که در نتیجه راندمان کیفی فعالیت‌هـای مدنی را بهبود و ارتقا می‌بخشد.

ج) توجـه ویژه مردم به ایـن صفحه باعث ایجاد حس رقابت در سـایر روزنامه‌ها شـد. به‌نحوی که برخـی از آنها نیز بـا اختصاص سـتون، صفحه یا پرونـده‌ای اختصاصی به موضوعـات اجتماعـی و مدنـی، سـعی در پرکردن خلأ موجـود در روزنامه خود کردند که بـا سـازماندهی و بهبود مطالـب آنها در آینده، می‌تـوان انتظـار ایجـاد برنامه‌های تلویزیونـی پرمخاطب یا حتی شـبکه‌های اختصاصی رادیویـی و تلویزیونی در بسـط هرچه بیشتر جامعه مدنی را داشت.

د) عدم‌خالـت دیدگاه‌هـای سیاسـی و پرهیز از گلچین‌کردن تشـکل‌ها و اختصاص فضایـی کافی بـرای معرفی آنها در سـتون جامعه‌مدنی روزنامه‌شـهروند، باعث شد که اگر سـازمان مردم‌نهادی با گرایش سیاسی چپ و راست نیز وجود داشته باشد، به‌خوبی دریابد که تشـکل مردمی بایـد فراجناحی، غیرسیاسـی و از جنس مردم باشـد و برای مردم کار کند.

ادامـه ایـن رونـد می‌تواند باعـث جذب حداکثری نیروهای مردمی از سـوی همین تشـکل‌ها در آینده‌ای نه‌چندان دور باشـد که در تحقق ایـن مهم باید از هوش و ذکاوت دسـت‌اندرکاران این صفحـه قدردانی کرد. اما در مقابل این‌همه عملکرد ارزشـمند که روزنامه‌شـهروند در موضـوع ایجاد سـتون جامعه‌مدنـی از خـود نشـان داده اسـت، قراردادن آن در زمره صفحات میانی روزنامه و عدم‌اختصـاص تیتر مناسـب و جذاب در صفحه‌نخسـت را می‌توان مورد نقد قرار داد و در راستای توجه بیشتر مدیران روزنامه به این مطلب، اهمیت غیرقابل‌انکار جامعه‌مدنی را در حل‌وفصل بحران‌های اجتماعی به آنها خاطرنشان کرد.

نهادهای مدنی کوچکی که «شهروند» آنها را معرفی کرد

زهره واحدی
مشاور روانشناسی موسسه فیروزنیا

در تهـران به این بزرگی که هر روز مشـکلات بیشـتری به آن اضافه می‌شـود، اگـر خیرینی وجود نداشـتند تا بـه افراد کم‌توان رسـیدگی کنند، بدون‌شـک جامعه به مشکل برمی‌خورد و نمی‌توانست نیازمندان واقعی را همراهی کند. خیرینی کـه این‌روزهـا در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شوند. یکروز جهیزیه بـرای دختـران دم‌بخت آماده می‌کنند و روز دیگر به مادران سرپرسـت‌خانوار کمک می‌کنند. این خیرین که همواره ناشناخته باقی‌مانده‌بودند، توسط کاری که روزنامه‌شهروند در پیش گرفت، به مردم شناسـانده شدند. من به‌شـخصه اعتقاد دارم که مردم ما علاقه زیادی به انجام کار خیر دارنـد. اما خیلی از افراد به‌دلیل بی‌اطلاعـی ممکن اسـت که بهسـمت انجام چنین کارهایی کشیده نشوند اما همین معرفی موسـسات خیریه باعث می‌شـود تا خیلی‌ها با خواندن این مطالب نزدیک‌ترین خیریه را انتخاب کنند و جذب فعالیت‌های آن شوند. اگرچه هنوز موسـسات و نهادهای مدنی زیادی هستند که بدون هیچ شـهرتی فعالیت می‌کننـد و از دید همه پنهان هستند اما همین معرفی و تداوم آن باعث می‌شـود تا افراد حتی اگر تا به‌حال اقدامی برای کار خیر نکرده‌اند، یکبار از سـر کنجکاوی به این موسسات سـری بزنند یا در بازارچه‌های خیریه متفاوت شـرکت کنند. درنتیجه یکی از رسالت‌های رسـانه می‌تواند همین باشد که به مخاطبان خود راه را نشان دهد و آنها را راهنمایی کند که از چه طریقـی بتوانند به همنوعان خود کمک کنند. ضمن این‌که در این سال‌های اخیر تنها خیریه‌های خیلی‌بزرگ توانسـتند به مردم معرفی شـوند و از قدرت رسانه‌شـهروند استفاده کنند. شاید کاری که روزنامه‌شـهروند آغاز کرده است بتواند به معرفی خیریه‌های زیادی بینجامد که مهجور مانده‌اند. من خیرین زیادی را می‌شناسم که در خانه‌های خود به نفـع گروهی خاص غذا درسـت می‌کننـد، شیرینی می‌پزند و هر کس در حدبضاعت خود کمک می‌کند تا کار خیری انجام شـود. کمک رسانه‌ها باعث می‌شـود گروه‌های زیادی جذب فعالیت‌های خیر شوند.

البته یک پیشـنهاد هم برای روزنامه‌شهروند دارم؛ احتمالا سوئی را به خوانندگان خود اختصاص دهید و از آنها بخواهید که نظراتشان را درباره این کار روزنامه و معرفی نهادهای مردمی اعلام کنند. این‌که از طریق این روزنامه جذب کدام خیریه شـده‌اند و چه فعالیتی کرده‌اند. بدون‌شک این کار باعث می‌شود تا رسـالت روزنامه و مسیری تفکر که انجام کار خیر، تنها نباید به کمک‌های مادی ختم شـود، کار کند و به مردم القا کند که هر کس در حد بضاعـت خود، ولو با یک لبخند و مهربانی می‌تواند دلی به‌دسـت بیاورد و در این دنیای ماشـینی که روزبه‌روز همه از هم فاصله می‌گیرنـد از طریق انجـام کار خیـر و نیکو به همدیگر نزدیک‌شوند.

تعامل دوسویه، راهکار موفقیت

فاطمه خان‌بیگی
مدیر بنیاد نیکوکاری شروین روبن‌زاده

بنیاد شروین روبن‌زاده، اولین مرکز تخصصی سـوگ‌درمانی در ایـران اسـت. مرکـزی کـه بسـیاری، نه‌تنها اسـم آن را نشـنیده‌اند، بلکه از عمـده فعالیت‌هـای آن نیز اطلاعـی ندارند. همان‌طـور که می‌دانیـد و پیش از ایـن نیز در سـتون جامعه مدنـی روزنامه شـهروند به آن اشاره شده، همه‌چیز با مرگ شروع می‌شود. با از دست دادن پسری که ۶ ماه بعد از زلزله به‌ام در یک تصادف از دنیا می‌رود و خانواده را داغدار می‌کند. مرگ «شـروین روبن‌زاده» جـوان خیری که در تمام مدت زلزله به‌دراین شـهر حضور داشت و مشغول فعالیت کمک‌رسانی بود، باعث می‌شود تا خانواده سـال‌های سـختی را در سوگ فرزند ۱۹ سـاله خود داشته باشـند. سال‌های سخت و جای خالی شـروین این فکـر را ایجاد می‌کند تا خانواده روبن‌زاده بنیـادی راه‌اندازی کنند که برخلاف دیگر بنیادهای خیریـه روی غم و اندوه مردمان متمرکز شود و تلاش کند تا با روش‌های مختلف افراد را به زندگی دوباره برگردانند و حالا پس از گذشت حدود ۱۰ سال از فعالیت این مرکز، تعداد بسیاری به‌سمت آن کشـیده شده‌اند و از فعالیت‌های این بنیاد سود می‌برند. اما همچنان تعداد بسیاری هسـتند که خیلی دیر بابنیاد ما آشنا شده‌اند. برای مثال، عده‌ای وقتی با بنیاد ما آشنا شدند که مدت‌ها از زمان سوگی که دچارش بودند گذشته بود و از این رو همواره می‌گفتند که کاش زودتر با این بنیاد و فعالیت‌هایش آشنا می‌شدیم. چراکه ما همواره برنامه‌های متنوعی داریم. برای مثال، می‌خواهیم در بهشـت‌زهرا غرفه بگیریم و افراد را از ابتدای سوگشـان یاری کنیم. در این میان اما نشان‌دادن فعالیت‌هایمان و آشنا کردن مردم با آنها، همواره جـزو اصلی دغدغه‌هایمان بوده است و این‌جا بود که نیاز به رسانه‌ها بیش از پیش خود را نشان داد. در این میان من به‌شخصه با رهاخودم با رسانه‌های گوناگون ارتباط گرفتم و از آنها خواستم تا در این راستا به ما کمک‌رسانی کنند کـه از آن جمله روزنامه شـهروند بود. این روزنامه نیز در کنار سـایر روزنامه‌ها، توانسـت سهمی را در معرفی ما ایفا کند اما انتقادی بر آن وارد است. ما به‌عنوان انجمنی مردم‌نهاد، خواستار توجه و پوشـش‌دهی بهتر و بیشتری هسـتیم و این چیزی اسـت که جایـش در میان صفحات «شهروند» خالی اسـت. هرچند معرفی صورت گرفته بسیار توانست تمرینکش باشد و بسیاری از کسـانی که در این مدت نزد ما مراجعه کردند، در فرم معرفی خود، نحوه آشنایی‌شان را با بنیاد از طریق روزنامه شـهروند و ستون جامعه‌مدنی می‌دانسـتند. با این حال این بخش نیازمند توجه و پوشش‌دهی بالاتری اسـت تا از این طریق افراد بیشتری به این سمت جذب شوند. البته ما هرگز منکر این نیسـتیم که چنین کاری تنها از طریق تعامل گسترده میان انجمن‌ها و رسانه‌ها ممکن خواهد بـود. زمانی که این تعامـل افزایش یابد، زمانی اسـت که جامعـه هدف مـا، یعنی مردم می‌توانند آگاهی یافته و از این سـازمان‌ها بهره‌مند شوند.